

وصیت جنید بغدادی و یادداشتی کوتاه درباره سیاسة المریدین

نوشته حسن انصاری قی

امام زیدی نامدار شمال ایران، المؤید بالله احمد بن الحسین، ابوالحسین هارونی (۳۳۳-۴۱۱ ق)، کتابی دارد با عنوان سیاسة المریدین در تصوف که شناخت آن برای تصوف پژوهان اهمیت دارد. اما پیش از معرفی کتاب، بهتر است اندکی درباره ابوالحسین هارونی اطلاعاتی عرضه کنیم:

وی در ۳۳۳ ق در آمل طبرستان به دنیا آمد. پدرش خود اهل علم و امامی مذهب بود. ابوالحسین نزد ابوالعباس احمد بن ابراهیم حسنی، عالم برجسته زیدی، فقه و حدیث آموخت. ابوالحسین علاوه بر موطنش، در شهرهای دیگری از جمله بغداد و اصفهان تحصیل علم کرد و از مشایخی چون ابو عبدالله بصری و قاضی عبدالجبار معتزلی کلام معتزلی را فراگرفت.

ابوالحسین شاگردانی نیز تربیت کرد که از جمله مشاهیر آنان می‌باید الموفق بالله ابو عبدالله حسین بن اسماعیل جرجانی (پدر مرشد بالله)، امام زیدی؛ مانکدیم ابوالحسین احمد بن ابی هاشم (امام زیدی)؛ ابوالقاسم بن تال الهوسمی زیدی (جامع الافادة و الزیادات) و علی بن بلال الاملی (صاحب کتاب الوافی و تتمه مصابیح حسنی) را نام برد.

ابوالحسین یک چند در شمال ایران امامت زیدیان را عهده‌دار بود ولی با این وصف دائماً در تألیف و تدریس کوشا بود و ثمرهٔ زندگی علمی او کتابهای بسیاری است که به ویژه در نقد زیدی از اهمیت زیادی برخوردار است و مذهب فقهی او با عنوان مذهب مؤیدی تا قرن‌ها پیروان بسیاری داشته است. مذهب فقهی و آثار او به بین نیز رسید و در فقه و کلام زیدیان بین تأثیر بسیار زیادی گذاشت. کتاب التجرید و شرح التجرید او در فقه که به چاپ هم رسیده (در ۶ جلد) از مهمترین آثار او به شمار می‌آید. کتاب الافاده در فقه که متضمن آرای فقهی اوست و توسط ابوالقاسم هوسمی گردآوری شده و متأسفانه تاکنون به چاپ نرسیده، از کتب فقهی نامدار زیدی است. اثبات نبوة النبی (ص) او به کوشش خلیل احمد ابراهیم الحاج به چاپ رسیده است. الامالی الصغری از او نیز به کوشش عبدالسلام عباس الوجیه در سال ۱۴۱۴ ق/ ۱۹۹۳ م در صعده (یمن) به چاپ رسید.

سیاسة‌المریدین، کتابی در زمینهٔ تصوّف و احوال آن است. گویا نام کامل کتاب چنین است: سیاسة‌المریدین فی التوبة و الانقطاع الی رب العالمین. البته کتاب کوششی است برای ارائهٔ آداب و احوال صوفیه به گونه‌ای که با تعالیم امامان شیعی (ع) موافقت داشته باشد. با این وصف از یادکرد مشایخ صوفیه که گاه از آنان به تعبیر «قال بعض الحكماء» یاد می‌کند، غافل نبوده است. در این کتاب دربارهٔ رابطهٔ خوف و توبه از یک سو و انقطاع الی الله و رابطهٔ آن با اراده سخن رفته است. در باب الارادة کتاب، وی چنین تعریفی از اراده ارائه می‌دهد: «اعلم أن الارادة هی طلب الانقطاع الی الله عزوجل من کل ما سواه».^۱ در همین باب از وصیت صوفی بزرگ جنید بن محمد، سیدالطائفة صوفیه (د ۲۹۸ ق) یاد کرده و آن را تماماً رونویسی کرده است. وی این وصیت را برای مُرید دارای نفع بسیار دانسته است. وی در باب اراده، به تفصیل در باب احوال مریدان سخن گفته است. او به‌سان صوفیه از علم رسمی انتقاد می‌کند و بیشتر علما و به ویژه علمای معاصرش را پیروان دنیا و هواداران آن می‌داند. البته زیدیه نیز عموماً از «علماء سوء» انتقاد می‌کرده‌اند. ابوالحسین در دنباله از همنشینان با سلاطین نمی‌کند و آن را برای مُرید خطری بزرگ می‌داند. جالب اینکه او از دروغنابۀ اندیشهٔ صوفیان ملامتی انتقاد کرده و می‌گوید شیطان گاه مُرید را به این بهانه که عجب و ریا که حاصل کوشش سختگیرانهٔ مُرید است بسی خطرناکتر از رهاکردن این کوششهاست، از راه به در می‌کند و سپس می‌افزاید: «و هذا الثانی اکثر ما یرض لمن یخالط اهل التّصوّف من الاشارات و العبارات فلیحذر المریدُ جمیع

۱. نقل قولهای ما از سیاسة‌المریدین بر اساس نسخهٔ رونویس شدهٔ (والله نأتم) محلی در الهدائق الوردیة است.

ذلک...» ابوالحسین در این کتاب از جنید در چند جای دیگر نیز نقل قول کرده است ولی جالب اینکه در عین حالی که از امامان معتبر زیدی در این زمینه نقل قول می‌کند - و حتی از قاسم رسی - از امامان دوازده امامیان نیز همچون امام موسی بن جعفر (ع) نقل قول می‌کند.

بنابر گفته نویسنده سیره ابوالحسین هارونی - که المرشد بالله جرجانی است و سیره هارونی به قلم او خوشبختانه باقی است و نسخه‌های خطی آن در مین موجود است^۲ - ابوالحسین در عهد جوانی تصوف پیشه کرد و بر علوم صوفیه دست یافت: «وکان علیه السلام فی الورع والتقیف والاحتیاط و التفرز الی حد تقصر العبارة دونه، و الفهم عن الاحاطة به و تصوف فی عنفوان شبابه حتی بلغ فی علومهم مبلغاً منیعاً، و حلّ فی التّصوف و الزّهد محلاً رفیعاً و صنّف سیاسة المریدین...»^۳ از عبارت مرشد بالله ظاهر آبرمی آید که سیاسة المریدین در همان دوران جوانی و تحصیل نوشته شده است. به هر حال آثار این گرایش صوفیانه در دیگر تألیفات او تا آنجا که من نسخه‌های چاپی و یا خطی کتابهای او را در مین دیده‌ام، قابل پیگیری نیست.

بنا بر تتبع سزگین، چندین نسخه خطی از کتاب سیاسة المریدین ابوالحسین هارونی در دست است: یک نسخه در واتیکان و دو نسخه نیز در آمبروزیانا.^۴ وی به نسخه‌های مین اشاره‌ای نکرده است: از جمله نسخه‌های جامع کبیر صنعاء (شماره‌های ۶۳۳، ۶۹۹، ۲۱۰۰، ۲۴۰۷).^۵ نسخه‌ای نیز در یک کتابخانه شخصی در مین موجود است.^۶ همچنین بخشی کوتاه از سیاسة المریدین را حمید بن احمد المحلی (د ۶۵۲ق) در الحدائق الوردیة نقل کرده است.^۷

توضیح این نکته را نیز لازم می‌دانم که سزگین^۸ تصور کرده حمیدالدین کرمانی، داعی بزرگ اسماعیلی در کتاب الکافیة فی الزّهد علی المارونی الحسینی^۹ به نقد سیاسة المریدین نظر داشته است؛ در حالی که با مراجعه به الکافیة روشن می‌شود که این برداشت خطاست. اساساً کتاب سیاسة المریدین کتابی نیست که داعی اسماعیلی به رد آن بپردازد، بلکه لبه انتقاد حمیدالدین کرمانی نسبت به هارونی، عقاید کلامی

۲. نگاه کنید به: Madelung, *Der Imam al-Qāsim*, p. 185. چندین نسخه از سیره المومئید به قلم مرشد بالله را در مین سراغ دارم. مرشد بالله خود از امامان زیدی نامدار است و الامالی الحمصیة او به چاپ هم رسیده است.

۳. نگاه کنید به: محلی، «الحدائق الوردیة»، ضمن اخبار ائمة الزیدیة، تصحیح مادلونگ، بیروت، ۱۹۸۷م، ص ۲۶۳.

۴. نگاه کنید به: GAS, I/572.

۵. نگاه کنید به: فهرست مخطوطات مکتبة الجامع الکبیر، صنعاء، ۱۳۵۰/۳-۱۳۵۱.

۶. نگاه کنید به: فهرس مخطوطات بعض المكتبات الخاصة فی اليمن، از عبدالله محمد الحیسی، ص ۴۰۱.

۷. نگاه کنید به: محلی، همان، ص ۲۹۳-۳۰۵. GAS, I/582-583.

۸. نگاه کنید به: GAS, I/582-583.

۹. نگاه کنید به: جموعة رسائل الکرمانی، به کوشش مصطفی غالب، بیروت، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م.

او، به ویژه در باب امامت و طعنی است که زیدیه در حق اساعیلیه روا می داشته‌اند.

در پایان این یادداشت کوتاه، وصیت پیشگفته جنید را بر اساس متن کتاب سیاست‌المیریدین به چاپ می‌رسانیم. قبل از هر چیز لازم است این توضیح را بدهم که این وصیت در رسائل الجنید (تصحیح علی حسن عبدالقادر) و حلیه الاولیاء اثر ابونعیم اصفهانی (در ذیل شرح احوال جنید) نیامده است. حتی عبدالقادر در مقدمه انگلیسی خود بر کتاب، در شمار آثار موجود و غیر موجود جنید، به این وصیت اشاره‌ای نکرده است.^{۱۰} تنها باید گفت که رساله‌ای توسط سرگین^{۱۱} در کتابش تاریخ میراث عرب تحت عنوان الوصایا معرفی شده و نسخه آن را در کتابخانه رشید (۱/۱۲۱۸) نشان داده است. طبق توصیف سرگین این رساله حدود ۴ صفحه (۲ برگ) است و نسخه آن از قرن ۱۲ ق است. ارتباط این رساله با آنچه ما تحت عنوان وصیت از سیاست‌المیریدین نقل می‌کنیم، برای من روشن نیست. متن وصیت را ما بر اساس (۱) نسخه شماره ۲۱۰۰ کتابخانه جامع کبیر صنعاء از سیاست‌المیریدین ابوالحسین هارونی^{۱۲} (با علامت س) و نیز (۲) رونوشتی که محلی در الحدائق الوردیه (با علامت ح) از بخشی کوتاه از سیاست‌المیریدین به دست داده (و خوشبختانه شامل تمامی وصیت جنید نیز هست)^{۱۳} و (۳) تصحیح بخشی از کتاب الحدائق الوردیه، توسط مستشرق بزرگ و نامدار که حق بزرگی بر گردن دانش پژوهان مسلمان دارد، یعنی ویلفرد مادلونگ، در ضمن کتاب اخبار ائمة الزیدیه^{۱۴} (با علامت م) و بر مبنای سازواره تلفیقی تصحیح کرده‌ایم و هیچ یک را اصل قرار نداده‌ایم؛ گرچه در بیشتر موارد نسخه سیاست‌المیریدین جامع کبیر صنعاء صحیحتر بوده است.

این کوشش قلیل را متواضعانه به استادم جناب آقای دکتر نصرالله پورجوادی که مرادین کار تشویق فرمودند و این تشویقها همواره مرا در مطالعاتم راه برده است، تقدیم می‌دارم.

۱۰. نگاه کنید به:

Abdel-Kader, A. H., *The Life, Personality and Writings of Al-Junayd*, p. 59-63.

۱۱. نگاه کنید به: GAS, I/649.

۱۲. با تشکر از دوست دانشمند و دانش دوست جناب آقای سیدعلی موجانی که عکس این نسخه را در اختیارم گذاشت.

۱۳. نگاه کنید به: محلی، الحدائق الوردیه، نسخه چاپی افست از روی نسخه خطی، ۸۱-۸۰/۲. در تصحیح وصیت هر جا از حدائق نام برده شده، مقصود همین نسخه است.

۱۴. نگاه کنید به: محلی، «الحدائق الوردیه»، ضمن اخبار ائمة الزیدیه، ص ۲۹۶-۲۹۸. صرفاً در چند مورد به این تصحیح مراجعه و اختلافات را ضبط کرده‌ام.

وصیة جنید بن محمد

... و^۱ وصیة الجنید^۲ بن محمد، اثبتناها^۳ علی وجهها لتعلقها بغرضنا فی هذا الباب، ولما فیها من عظیم النفع للمُريد^۴، قال ابوالقاسم رحمه الله:

اعلم رحمک الله أنّ الله تعالی ينزل العبيد حيث ينزل^۵ قلوبهم بهمته^۶. فانظر أين ينزل^۷ قلبک، واعلم أنّه يقرب القلوب علی حسب ما تقرب القلوب الیه فانظر من القرب الیک بقلبک^۸ واعلم أنّه یوصل الی القلوب من خیره علی ما^۹ اتصلت به القلوب من تعظیم أمره. فانظر ماذا يتصل بقلبک، واعلم أنّه یقبل علی القلوب علی حسب^{۱۰} ما القلوب مقبلة علیه، فانظر علی^{۱۱} ماذا انت مقبل بقلبک.^{۱۲}

واعلم أنّ الله تعالی یخلص الی القلوب من برّه علی حسب ما تخلص^{۱۳} القلوب الیه من ذکره، فانظر ماذا ترى خالص^{۱۴} قلبک. واعلم أنّ الله تعالی یعظم القلوب ویرفعها علی حسب ما هی معظمة له، فانظر ماذا الذي تعظم^{۱۵} فی سرّک و تعلق^{۱۶} الیه مرادک. واعلم أنّ موانع القلوب فی الابتداء^{۱۷} ما مالت علیه من اسباب الدنيا، فاعمل علی قطع الاسباب تتلّ بغیتک من الطلب. واعلم أنّ قليل ما یبقى^{۱۸} منها^{۱۹} فی السرائر یحول بینک و بین نفیس

۱. ح: و ندارد.

۲. ح: اثبتناها.

۳. ح: نزلت.

۴. س: تنزل.

۵. ح: غیره ما اتصلت.

۶. م: «علی» دارد و در ح نیست.

۷. ح: علی ما تخلص.

۸. س: ترى خالص؛ م: ماذا خالصه؛ ح: ماذا خالصه.

۹. ح: یعلو.

۱۰. ح: یتفق.

۱۱. س: پس از منها جمله‌ای از بالا تکرار شده که زائد است.

۲. ح: لجنید.

۴. ح: المرید.

۶. ح: بهمها.

۸. ح: از و اعلم تا بقلبک وجود ندارد.

۱۰. م: «علی حسب» دارد و در ح نیست.

۱۲. س: از «واعلم» تا «بقلبک» را ندارد.

۱۵. ح: یعظم.

۱۷. س: لا یوجد ندارد.

الذخائر، فاعمل في إخراج ما بقي منها تنل بذلك ما طلبت^{٢٠} من خالقها. واعلم ان القلوب اذا تجردت عن^{٢١} الامور الدنياوية صحت و صفت للعلوم الأخروية^{٢٢}، فاعمل في ابتداء امرک على اخراج ذلك من سرک. واحذر ان يبقى عليك منها شيء مستبطن أو دقيق مراد^{٢٣} قد كمن، فَيَقْفُكْ ذلك^{٢٤} و يعترض بقدره^{٢٥} في صحة المراد. فكن على استعصاء منه^{٢٦} و كن فيها على احوالك كلها زاهداً فيصحو^{٢٧} عند ذلك عقلک و يصفو قلبک. واعلم أن هذا اول منزلة من^{٢٨} منازل المریدین واعلم أنك ان صدقت في ارادتك له صدقک^{٢٩} في ارادته لك؛ واعلم^{٣٠} أن الله تعالى إن^{٣١} ارادک، كفاک^{٣٢} و تولاک و أغناک. واعلم أنك ان كنت لطاعته مؤثراً كان عليك بمنافعك مقبلاً^{٣٣}. و كذلك إن^{٣٤} كنت لعهد^{٣٥} راعياً و بأمره عاملاً كان بالتأييد لك حافظاً. فمن شاهد ذلك في نفسك أنك اذا عرض^{٣٦} لك أمران ميزتهما بالعلم، فاذا كشفت^{٣٧} التمييز بالعلم عن افضلها ركبت الافضل و عملت بالأجزل، و لم ترض في نفسك بالمفضول.

فاذا كنت كذلك كنت^{٣٨} صادقاً و كان الله تعالى لهمك رافعاً. فاذا ارتفع همك و قوی علمک كان ذکر الله تعالى السابق اليک و^{٣٩} العاطف بقربه عليك^{٤٠}، و لم تر شيئاً أقرب

- | | |
|--|---------------------------------|
| ٢٠. ح: تطلب. | ٢١. ح: من. |
| ٢٢. ح: الآخرة. | ٢٢. س: شيء مستطيل و دقيق مراده. |
| ٢٤. س: «فيقفك ذلك» را ندارد. | ٢٥. س: «بقدره» را ندارد. |
| ٢٦. س: استقصا عنه. | ٢٧. ح: فينجو. |
| ٢٨. س: «منزلة من» را ندارد. | ٢٩. ح: صدق. |
| ٣٠. س: «واعلم» را ندارد. | ٣١. ح: اذا. |
| ٣٢. ح: «كفاك» را ندارد. | ٣٣. س: عقيداً. |
| ٣٤. ح: اذا. | ٣٥. ح: لعهدک. |
| ٣٦. ح: اعترض. | ٣٧. ح: كشف لك به جای كشفت. |
| ٣٨. س: «كنت» را ندارد. | ٣٩. س: «و» را ندارد. |
| ٤٠. ح: والعاطف بقربه اليک و العاطف بقربه عليك. | |

إلیک منه و لا اقرب منک الیه ^{۴۱}. فاذا خلص لک ما وصفنا فاعتدل واستوی ^{۴۲}، لم تکن ظاعناً ^{۴۳} إلا الیه، و لا نازلاً إلا علیه. و العلم من وراء ما اوصیک ^{۴۴} به، فاعمل بوصیتی تنل به ^{۴۵} من العلم ما ^{۴۶} وراء ذلك.

مرکز نشر دانشگاهی منتشر کرده است

باروخ اسپینوزا

رساله

در اصلاح فاهمه

و بهترین راه برای رسیدن

به شناخت حقیقی چیزها

ترجمه اسماعیل سعادت

۴۲. س: «واستوی» را ندارد.
۴۴. س: و العلم ما وذاها وصیتک.
۴۶. ح: من.

۴۱. س: «اقرب الیک منه ولا» را ندارد.
۴۳. ح: طاعناً؛ س: ضاعناً. ضبط براساس م.
۴۵. س: «به» ندارد.